

نظریه پولی تولید و نقش پول در توسعه

نسیم قباشی^۱ و سید مهدی بنی طباطبائی^۲

بر خلاف نظریات متعارف که نقش پول را به محرک تقاضا و تسهیل کننده مبادله کالا پس از تولید تقلیل می دهد، نظریه پولی تولید، مدعی نقش پول در متن فرآیند تولید است. در نظریه پولی تولید با اذعان به زمان بر بودن فرآیند تولید، مسئله جلب مشارکت عوامل پیش از حصول محصول بسیار بااهمیت تلقی می شود؛ مشارکتی که اصلاً بدون تحقق آن محصولی حاصل نخواهد شد. معجزه پول در این میان، حل تعارض بین زمان بر بودن تولید و لزوم جبران عوامل تولید پیش از حصول محصول است. پول هماهنگی بین عوامل تولید را محقق کرده، و ارتباط عوامل تولید معطوف به خلق ارزش و ثروت را از روابط شخصی و اعتماد، بی نیاز می کند. در واقع، نظریه پولی تولید رویکردی نوین در تبیین جایگاه و اهمیت نظام پولی در ارتباط با بخش واقعی اقتصاد است. این نظریه مبتنی بر این ایده است که چرخه تولید با پول به مثابه سرمایه نقدی اولیه برای اکتساب نهاده ها شروع شده و با پول به عنوان عایدی های حاصل از فروش پایان می یابد. اعتبار بانکی برای بنگاه ها حکم ظرف و زمینه ای دارد که آن ها را قادر به اکتساب و کنترل عوامل تولید می کند.

دلالت تحلیلی بسیار مهم نظریه پولی تولید عبارت است از «تقدم پول بر تولید» یا «پول به مثابه نهاده تولید»، چنانکه موفقیت اقتصاد در حوزه تولید کالا و ثروت به مقدار معتناهی منوط به کارکرد صحیح جریانات پولی معطوف به تأمین مالی تولید تفسیر می شود. دلالت غیرمستقیم این نظریه، اهمیت سوگیری پول در منشأ رشد آن برای ترکیب نتایجی است که از این رشد حاصل می شود. اینکه پول از چه منشئی و معطوف به تأمین مالی کدام فعالیتها رشد کند، اهمیتی تام در قضاوت ارزشی در باب رشد حجم پول دارد، مسئله ای که در تفسیر جریان متعارف از پول با خلاصه کردن نقش پول در تحریک تقاضا قابل درک نیست.

واژه های کلیدی: نظریه پولی تولید، خلق پول، اعتبار، توسعه.

طبقه بندی JEL: E50, O23

^۱. دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز nasimghobashi@yahoo.com
^۲. دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی (ره) smahdi.banitaba@gmail.com

اقتصاد کشور در سال‌های اخیر، از طریق نظام پولی و بانکی با اختلال‌های فراوانی مواجه شده است. اهمیت نظام پولی و بانکی کشور به حدی است که متغیرهای کلان همچون تولید، بیکاری، نقدینگی، ارز و دیگر متغیرهای مهم اقتصادی را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد.

این مهم تا جایی است که اکثر سیاست‌های مالی دولت و حتی بنگاه‌های خصوصی نیز، وابسته به نظام بانکی بوده و نحوه‌ی سیاست پولی و عملکرد نظام بانکی، آن‌ها را متأثر خواهد کرد.

در حال حاضر کشور در حوزه تولید، با رکود مواجه است و یکی از مهم‌ترین عوامل رکود تولید را با مسئله کمبود سرمایه توجیه می‌کنند. همچنین در حوزه کارآفرینی و شرکت‌های دانش‌بنیان که در تکاپوی کمک به صنعت تولید هستند و می‌توانند ارزش‌افزوده‌ی فراوانی به تولید کشور بیفزایند، مهم‌ترین عامل محدودکننده سرمایه و تأمین مالی است. همچنین در حوزه سیاست‌های مالی دولت، مخصوصاً در بودجه عمرانی، آنچه دولت را با چالش مواجه کرده است و باعث شده است که بودجه عمرانی، رشد زیادی را نداشته باشد، باز هم مسئله در عدم وجود سرمایه کافی و تأمین مالی است. همچنین با توجه به شرایط تحریمی کشور و مسائلی که در سطح بین‌المللی برای کشور اتفاق افتاده است، مسئله تأمین سرمایه یکی از چالش‌های مهم کشور در سال‌های آینده خواهد بود.

بنابراین به نظر می‌رسد که تأمین مالی مخصوصاً از سوی بانک، یکی از حوزه‌های اساسی کشور است. در کشورهای مختلف، مخصوصاً کشورهایی که به جمع کشورهای توسعه‌یافته پیوسته‌اند، از جمله چین، کره جنوبی، ژاپن و ... می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین اقداماتی را که در دستور کار قرار داده‌اند، خلق و هدایت اعتبار برای بخش تولید و بخش‌های مولد بوده است که موتور محرک رشد اقتصادی این کشورها محسوب می‌شود.

یکی از مسائلی که لازم و ضروری است که مورد بررسی قرار بگیرد، مسئله خلق پول است که در نظام بانکداری مدرن، شکلی متفاوت یافته است به‌طوری‌که برای تسهیلات و وام‌دهی، نیازی به نقش واسطه‌گری بانک نیست. بدین معنا که الزاماً نیازی نیست که حتماً بانک‌ها در شعب و نزد خود پولی داشته باشند تا آن‌ها را بخواهند وام بدهند. بلکه می‌توانند بدون هیچ پشتوانه‌ای، از هیچ پول خلق کنند و وام بدهند.

در همین راستا یکی از نظریاتی که در این حوزه وجود دارد، نظریه پولی تولید است که در تکاپو است نشان دهد اقتصاد چگونه از محل خلق پول بانکی و خلق پول از هیچ، می‌تواند تبدیل به فرصتی برای رشد اقتصادی، تولید، حل معضل بیکاری و دیگر متغیرهای اقتصادی باشد.

نظریه پولی تولید رویکردی نوین در تبیین جایگاه و اهمیت نظام پولی در ارتباط با بخش واقعی اقتصاد است. این نظریه مبتنی بر این ایده است که «چرخه تولید دارای ماهیتی پولی است»؛ با پول به‌مثابه سرمایه نقدی اولیه برای اکتساب نهاده‌ها شروع شده و با پول به‌عنوان عایدی‌های حاصل از فروش پایان می‌یابد. اعتبار بانکی برای بنگاه‌ها حکم ظرف و زمینه‌ای دارد که آن‌ها را قادر به اکتساب و کنترل عوامل تولید می‌کند.

این بدان معناست که وقتی دسترسی بخش‌های مولد ثروت به اعتبارات بانکی اختلال ایجاد می‌شود، ظرفیت‌ها و نهاده‌های تولید و حتی تکنولوژی موجود، عاطل مانده یا مصروف فعالیت‌هایی خواهد شد که فاقد اولویت است. لذا «پول مقدم بر تولید» چنانچه در دسترس کارآفرینان توانمند و مجهز به دانش فنی قرار گیرد، قادر است آن‌ها را موفق به اکتساب، جمع‌آوری و هماهنگ‌سازی عوامل متکثر و بیکار تولید کند.

این تبیین از جایگاه پول، با مشخصه برجسته مدل سازی مفهومی «پول در تولید» یا «پول به مثابه نهاد تولید» حلقه مفقوده در جریان متعارف را یافته و توضیح می دهد که چرا پول و تأمین مالی به این اندازه برای کسب و کارها حائز اهمیت است.

دلالت بسیار مهم نظریه پولی تولید این است: اگر پول جدید (خلق پول) به سوی بخش های دارای نیاز اجابت نشده و نهاده های بلااستفاده و عاملیت های توانمند و برخوردار از دانش فنی سوق داده شود، قادر به کاراندازی عوامل تولید و خلق ثروت و در نتیجه به جاگذاری تأثیرات ماندگار بر بخش حقیقی است.

شناخت این رویکرد و نسبت آن با خلق پول، چشم انداز جدیدی در ارتباط با اصلاح نظام بانکی فراهم خواهد کرد و کمک خواهد کرد پول و نظام بانکی در خدمت تولید و بخش واقعی اقتصاد قرار گیرد که در این پژوهش قرار است به آن پرداخته شود.

۲- انواع نظریات پولی

برای فهم جایگاه نظریه پولی تولید نیاز است نگاه ها به پول بررسی شود تا جایگاه نظریه پولی تولید را خوب فهم کرد. به طور کلی در اقتصاد، برای عرضه پول، دو نوع نگاه وجود دارد: ۱- حالت برونزا ۲- حالت درونزا.

در حالت برونزا، عرضه پول و حجم پول، وابسته به ذخایر کل بانک مرکزی است. در واقع در این حالت عرضه پول به صورت عمودی است و میزان تغییرات حجم پول، وابسته به تصمیمات بانک مرکزی است؛ به عبارت دیگر عرضه پول، علت سایر متغیرهاست. دیدگاه هایی همچون کلاسیکی، نئوکلاسیکی، کینزین ها و پول گرایان و چرخه های تجاری در تحلیل خود عرضه پول را برونزا در نظر می گیرند. این عده معتقدند که میزان عرضه پول از طریق بانک مرکزی و بدون توجه به فاکتورهای مؤثر بر بازار مالی تعیین می شود. همچنین در این دیدگاه مخصوصاً در دیدگاه کلاسیکی و نئوکلاسیکی و پول گرایان، پول خنثی است یعنی افزایش حجم پول به صورت برونزا، صرفاً باعث افزایش قیمت ها می شود و بر روی متغیرهای حقیقی از جمله تولید و بیکاری تأثیرگذار نیست.

دسته دوم اعتقاد دارند که مقامات پولی به سادگی قادر به کنترل حجم پول در اقتصاد نیستند زیرا عرضه پول با تقاضای اعتبار و درون بازار مالی تعیین می شود. در واقع می توان در این نگرش گفت که عرضه پول معلول سایر متغیرهاست. در واقع تقاضایی برای پول به هر دلیل شکل می گیرد و شبکه بانکی مجبور است که به میزان تقاضا، پول عرضه کند. دیدگاه هایی همچون اتریشی ها و پسا کینزی ها این دیدگاه را دارند.

با توجه به این دسته بندی، نظریه پولی تولید در دسته دوم قرار می گیرد و قائل به درون زایی پول است. به این معنا که عرضه پول وابسته به تصمیم بانک مرکزی نیست، بلکه تقاضای پولی صورت می گیرد و شبکه بانکی برای پاسخ به تقاضای پول، مجبور به خلق پول خواهد شد؛ به عبارت دیگر محدودیتی برای خلق پول وجود ندارد و تا زمانی که تقاضا برای پول وجود داشته باشد، شبکه بانکی خلق پول را انجام خواهد داد.

۳- خلق پول جدید

اساساً پول در نظام بین الملل امروز، تغییر معنا داده است. اگر تا دیروز پول وسیله ای برای سنجش ارزش و یا وسیله مبادله تعریف می شد، امروز دیگر این معنا برایش کمرنگ شده است. در پرتو همین مسئله، نگاه به بانک نیز تغییر کرده است.

بانک تا گذشته به‌عنوان واسطه وجوه به آن نگریسته می‌شد؛ یعنی بانک مکانی است که مردم پول‌شان را در آنجا به‌عنوان سپرده می‌گذارند و بانک به‌عنوان امین مردم، آن پول‌ها را جمع‌آوری کرده و برای کسانی که طالب و نیازمند پول هستند به‌عنوان تسهیلات، پرداخت می‌کند؛ به‌عبارت‌دیگر، بانک‌ها برای اینکه نقش واسطه را پیدا کنند و بتوانند تسهیلات بدهند، حتماً باید در بانک پولی وجود داشته باشد و بعد از کسر ذخیره قانونی و ذخیره اضافی، مابقی را بتوانند وام دهند.

اما در رویکرد نوین و مدرن، پول یک قرارداد اجتماعی و وسیله حکمرانی تلقی می‌شود. دولت‌ها می‌توانند با مدیریت صحیح پول، حکمرانی خود را قوت دهند و بسیاری از اهداف خود را پیش ببرند. در رویکرد مدرن به بانک، بانک دیگر واسطه وجوه نیست بلکه بانک خود خالق پول است. بانک دیگر برای تسهیلات‌دهی نیازی ندارد که حتماً سپرده‌گذارانی داشته باشد و آن سپرده‌ها را تبدیل به وام کند.

بانک‌ها می‌توانند در یک سازوکار مشخص، ولو اینکه سپرده‌ی جدید نداشته باشند، با یک عملیات قانونی، از هیچ پول خلق کنند و میزان تسهیلات‌دهی و نقدینگی را افزایش دهند. مهم‌ترین دلیل آن هم کاهش حجم اسکناس و مسکوک و به‌عبارت‌دیگر پول فیزیکی است که در حال حاضر از کل نقدینگی کشور، حدود ۳ درصد سهم اسکناس و مسکوک است و ۹۷ درصد از حجم نقدینگی، اعتبار است. وقتی در سیستم جدید، پول اعتباری می‌شود، بانک می‌تواند با مجوزهای قانونی، پول خلق کند و نقدینگی را افزایش دهد.

البته این‌گونه نیست که با خلق پول اعتباری همواره نقدینگی افزایش می‌یابد، بلکه با برگرداندن اصل تسهیلات، آن مقدار اصل تسهیلات امحا می‌شود و تنها به‌اندازه بهره و تسهیلات نکول شده است که نقدینگی افزایش می‌یابد.

پس باید گفت فهم بانک مدرن و خلق پول در سیستم جدید، بسیار مهم است و می‌تواند تمام سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های اقتصادی را تا حد زیادی تحت شعاع قرار دهد.

۴- نظریه پولی تولید

رویکرد چرخه پولی تولید، بخشی از ادبیات گسترده و ناهمگن اقتصاد هترودکس و یا اقتصاد نامتعارف است. این رویکرد با مطالعات آگوستو گرازیانی از نیمه اول دهه ۱۹۸۰ و کارهای منتشرشده به‌وسیله مؤلفانی چون برانکاسیو، بوسونه، مسوری، بلوقیوره، فونتانا، داوانزاتی، زازارو که تحلیل‌های او را در جهات مختلف گسترش داده‌اند،

-
- 1 Augusto Graziani
 - 2 Emiliano Brancaccio
 - 3 Ego Bossone
 - 4 Marcello Messori
 - 5 Riccardo Bellofiore
 - 6 Giuseppe Fontana
 - 7 Forges Davanzati
 - 8 Aberto Zazzaro

رونق یافت. در نیمه دوم قرن بیست، تعداد فزاینده‌ای از مطالعات سیستماتیک به‌وسیله دانشمندانی از ایتالیا، فرانسه، انگلیس و سوئیس به این موضوع اختصاص داده شده است.

نظریه پولی تولید، اقتصاد را از زاویه پولی و با تمرکز بر جریان گردش پول تحلیل می‌کند و اهمیت ویژه‌ای برای فرآیند خلق پول بانکی و نقش بانک‌ها قائل است. طبعاً در این نگاه پول خنثی نبوده و نقش قابل توجهی در متغیرهای اقتصاد کلان و فرآیندهای تولیدی دارد. نظریه‌پردازان چرخه پولی اقدام به بحث پیرامون فهم صحیح از پول و تبیین خلق پول بانکی نموده‌اند؛ چرا که بسیاری از مجادلات پیرامون این رویکرد ریشه در فهمی اشتباه و بنیادین از پول و خلق پول دارد (سسکارسیا و پارگیوز، ۲۰۰۲).

۱-۴- رویکرد نظریه پولی تولید

این رویکرد این ایده را دنبال می‌کند که فرآیند اقتصادی باید به‌عنوان یک توالی چرخه‌ای از جریان پولی توصیف و بررسی گردد. علت نام‌گذاری به خاطر چرخه سرمایه M-C-M (پول-کالا-پول) توصیف‌شده به‌وسیله کارل مارکس در کتاب سرمایه است. از دید گرازیانی دانشمندانی چون ویکسل، شومپیتر و کینز، از این جهت یک نوع مارکسیسم زیرزمینی واقعی را به وجود آوردند (گرازیانی، ۱۹۸۲).

مطابق با رویکرد به اقتصاد کلان مارکس که متضمن برشی جامعه‌شناختی بر مقوله پول است، پول ضرورتاً یک وسیله حکمرانی بر نیروی کار در فرآیند تولید است. از دید بعضی دانشمندان ایتالیایی نظریه ارزش نیروی کار مارکس می‌تواند و باید در غالب مدل چرخه وارد شود (بلفیور، رالفونزو، ۲۰۰۳).

بدون شک کتاب نظریه عمومی، رساله‌ای بر پول و بعضی از نوشته‌های کینز منبعی مهم برای ایجاد رویکرد چرخه‌ای هستند. در واقع رویکرد نظریه پول یک تفسیر پیوسته از کارهای کینز با حفظ ماهیت مکمل بودن رساله و نظریه عمومی ارائه می‌دهد (دوانزتی، رالفونزو، ۲۰۰۵).

رویکرد نظریه پولی تولید روش‌شناسی فردگرایانه از سنت نئوکلاسیکی را رد می‌کند و همگام با روش اجتماعی تاریخی، تحلیل‌های مربوط به سنت کلاسیکی، مارکسی و کینزی یک ساختار سه‌گانه (بانک‌ها، بنگاه‌ها و کارگران) از عوامل را در نظر می‌گیرد و با مدلی ترتیبی، فرآیند اقتصاد به‌وسیله جریان پول در چرخه اقتصاد را توصیف می‌کند.

انگاره‌های اصلی نظریه پولی تولید را می‌توان در گزاره‌های زیر خلاصه کرد:

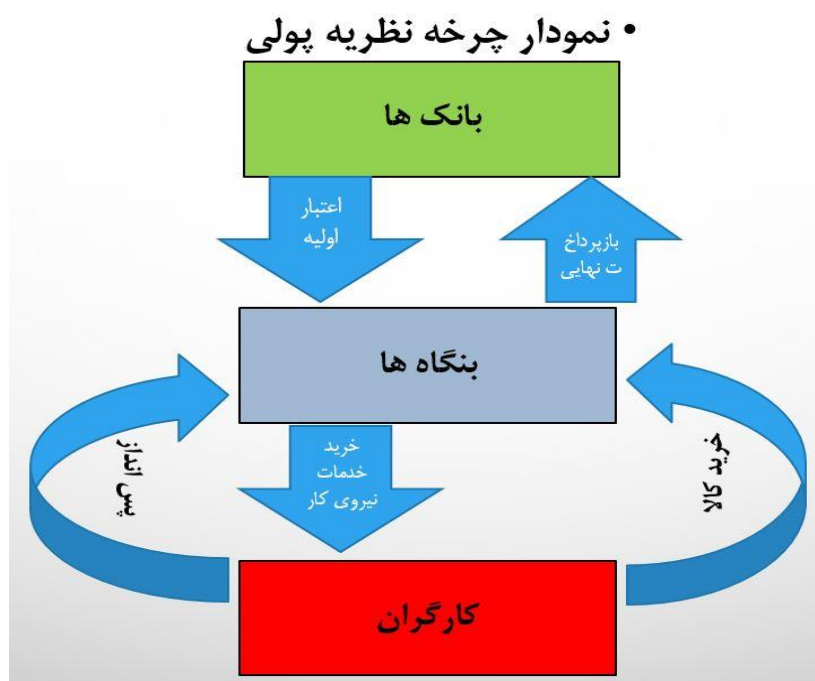
- ۱- پول ماهیتی اعتباری دارد و در دوره مدرن بانک‌ها آن را نمایندگی می‌کنند.
- ۲- پول اعتباری با اعطای اعتبار به عوامل توسط بانک خلق شده و هرگاه اعتبار بانکی بازپرداخت گردد از بین می‌رود.
- ۳- پول از طریق مذاکره بین بانک‌ها و شرکت‌ها به بازار تزریق شده و یک متغیر درون‌زا است.
- ۴- جامعه به دو گروه تقسیم شده است. گروه اول تولیدکنندگان هستند که به اعتبارات بانکی دسترسی داشته و از قدرت خریدی که مقید به سطح درآمد حقیقی یا مالکیت ثروت حقیقی‌شان نیست برخوردار می‌شوند. دسته دوم حقوق‌بگیران هستند که می‌توانند درآمدی که از قبل کسب کرده‌اند را خرج کنند.
- ۵- از آنجاکه عوامل به‌صورت مشابهی از اعتبار برخوردار نمی‌شوند، نظام قیمت‌های نسبی مسیری را نشان می‌دهد که در آن قدرت خرید به عوامل مختلفی اعطاشده است؛ بنابراین پول هرگز خنثی نیست.

۶- یک تحلیل نظری کامل باید کل مسیری که پول طی می‌کند را توضیح دهد. از لحظه‌ای که اعتبار اعطا می‌شود، در بازار جریان می‌یابد و به مرحله نهایی که بازپرداخت وام بانکی است می‌رسد. پولی که توسط بانک خلق شده و در بانک هم از بین می‌رود، وجود و عملکرد آن می‌تواند به‌مثابه یک چرخه توصیف شود.

۷- بنابراین تحلیل اقتصاد کلان شرح می‌دهد که چگونه خلق پول هم نحوه تقسیم تولید بین کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای و هم توزیع درآمد بین دستمزد و سود را مشخص می‌کند. همچنین نشان می‌دهد که نقش پول بسیار فراتر از سهولت مبادلات یا بهبود کارکرد فنی بازار است. پول در لایه‌ی اقتصادی منبع سود و در لایه‌ی اجتماعی منبع قدرت است (گرازیانی، ۲۰۰۳).

۲-۴- چگونگی چرخه پولی تولید

ادبیات چرخه پولی تولید، از توصیف ساده‌ای که در مورد توالی وضعیت‌های مختلف چرخه به‌وسیله گرازیانی تشکیل شده بود، گسترش یافت. اقتصادی بسته بدون بخش دولت را در نظر بگیریم که در آن سه عامل کلان وجود دارند: بانک‌ها، بنگاه‌ها و کارگران. بانک‌ها وظیفه تأمین مالی فرآیند تولید از طریق خلق پول و انتخاب برنامه‌های تجاری را دارند و بنگاه‌ها در مورد مقدار و کیفیت تولید تصمیم می‌گیرند. کارگران خدمات نیروی کار را عرضه می‌کنند. کارکرد اقتصاد به‌عنوان یک فرآیند ترتیبی که به‌وسیله واحدهای پی‌درپی وابسته به چرخه پولی کامل می‌شود، بیان می‌گردد. درک واضح از نظریه چرخه پولی به‌وسیله نمودار زیر، قابل دسترسی است؛



مراحل جریان عبارت‌اند از:

۱. بانک‌ها به‌طور کلی یا جزئی منابع مالی درخواستی توسط بنگاه‌ها را با خلق پول به آن‌ها اعطا می‌کنند.
۲. وقتی تأمین مالی به دست بیاید، بنگاه‌ها نهاد می‌خرند و نهایتاً کل هزینه بنگاه‌ها با پرداخت دستمزد برابر می‌شود. در این نقطه پول از بنگاه‌ها به کارگران منتقل می‌شود.
۳. وقتی که خدمات نیروی کار خریداری شد، بنگاه‌ها تولید را انجام می‌دهند. در ساده‌ترین حالت بنگاه‌ها کالاهای همگن تولید می‌کنند.

۴. در پایان فرآیند تولید، بنگاه‌ها کالا را در بازار قرار می‌دهند. با فرض اینکه کارگران تمایل به مصرف برابر با دستمزد دارند، بنگاه‌ها تمام دستمزد پرداختی را بازمی‌یابند و مالکیت نسبی از تولید را حفظ می‌کنند. اگر میل به مصرف کمتر از دستمزد دریافتی باشد وقتی که کارگران کالاهای مصرفی را خریداری کرده‌اند باید یک تصمیم دیگر درباره نحوه استفاده از پس‌اندازهایشان، چه برای جمع‌آوری نزد خودشان (افزایش ذخایر نقدی) یا سرمایه‌گذاری (خرید سهام) بگیرند. اگر تمام پول پس‌انداز شده برای سهام‌های بازارهای مالی سرمایه‌گذاری شود، بنگاه برای بازیابی کل دستمزد پرداختی اقدام می‌کند.

۵. وقتی که کالاها و سهام فروخته شده‌اند، بنگاه‌ها اقدام به بازپرداخت بدهی خود به بانک‌ها می‌کنند (چرخه بسته می‌شود). پول جدید هنگامی خلق می‌شود که بانک‌ها اقدام به اعطای مجدد اعتبارات برای چرخه جدید تولید کنند (فیلیپ و ملکوم، ۲۰۰۶).

بنابراین با توضیحات فوق مشخص گردید که چرخه تولید با خلق پول آغاز می‌گردد و با امحا و بازگرداندن وام، پایان می‌یابد. در این مدل، خلق پول نه به صورت برون‌زا، بلکه به صورت درون‌زا، از سوی بنگاه اقتصادی تقاضا گردید و بانک، برای پاسخ به تقاضای بنگاه اقتصادی، خلق پول کرد و تسهیلات داد. بنگاه نیز پس از تولید کالا و فروش آن، توانست وام را بازگرداند و این زمان، مصادف با امحا پول می‌گردد.

لذا این مدل می‌خواهد این را توجیه کند که خلق پول یک مسئله بد نیست، بلکه یک مزیت و فرصتی برای تولید و حمایت از کارآفرین است. کارآفرین و تولیدکننده‌ای که همه‌ی امکانات را دارد و فقط مشکلش سرمایه است، نباید به خاطر عدم دارا بودن سرمایه، معطل بماند، لذا با فرایند خلق پول و هدایت اعتبار صحیح، علاوه بر اینکه می‌تواند تولیدش را کامل کند و فناوری‌اش را تولید کند، می‌تواند موتور محرکی برای رشد اقتصادی، تولید، رفع بیکاری نیز به حساب بیاید.

۳-۴- بانک به عنوان خلق کننده پول

در بررسی نظریه پردازان چرخه پولی تولید از عرضه پول، آن‌ها جریان اصلی را معکوس می‌نمایند. جریان اصلی در واقع ابتدا تعریف پایه پولی (پول قانونی منتشرشده به وسیله بانک مرکزی) سپس ساختار ضریب فزاینده سپرده‌های بانکی و در نهایت تعریف عرضه پول را در نظر می‌گیرد. به بیان دیگر جریان اصلی، این جمله معروف را که سپرده‌های قرض، وام را می‌سازد تأیید می‌نمایند. نظریه پردازان چرخه‌گرای با رویکرد سنتی، استدلال شومپیتر را حفظ می‌نمایند؛ نظریه پردازان چرخه‌گرا نشان می‌دهند که حتی بدون پول قانونی، سیستم می‌تواند به‌طور نظری تا وقتی که پول بانکی، به خاطر اعتمادی که عوامل به بانک دارند، مورد قبول است، کار کنند.

به دنبال این منطق، ضریب فزاینده سپرده‌های بانک کاملاً رد می‌شود. مؤسسات مالی معمولاً نمی‌توانند چیزی را تکثیر کنند، آن‌ها پول خلق می‌کنند؛ بنابراین صحیح نیست که یک مقدار پول مشخص (پولی که طبق قانون به پول بانک مرکزی محدود شود که بانک‌های تجاری نمی‌توانند آن را خلق کنند) می‌تواند محدودیتی برای گسترش اعتبارات بانک‌ها ایجاد کند. نهایتاً این مسئله که محدودیت اعتباری برای بانک‌ها وجود دارد چه به صورت عملی و چه به صورت عقلانی نمی‌تواند به راحتی حل شود (فیلیپ و ملکوم، ۲۰۰۶).

۴-۴- تقاضا برای پول و ماهیت درون‌زای عرضه پول

با روشن بودن اینکه ظرفیت سیستم بانکی برای خلق پول بدون هیچ محدودیتی است، مؤلفان چرخه پولی نشان می‌دهند که اندازه جریان‌ات پولی دربرگیرنده چرخه و انباشته ذخایر نقد موجود در انتهای چرخه (در تعادل) ضرورتاً

به تقاضا برای پول بستگی دارد. به دنبال آموزه‌های کینز، نظریه چرخه پولی بین تقاضا برای پول به منظور تأمین مالی تولید (که کینز آن را انگیزه تأمین مالی می‌نامد) و تقاضا برای ذخایر نقدی (وابسته به انگیزه معاملاتی، احتیاطی و سوداگرانه) تمایز قائل می‌شود (گرازیانی، ۱۹۸۷).

انگیزه تأمین مالی، خلق پول و تزریق آن به اقتصاد را توضیح می‌دهد. همان‌طور که در قبل اشاره شد، به منظور تولید کالا و اتفاق افتادن این امر بنگاه‌ها باید از منابع مالی بانک‌ها استفاده کنند. آن‌ها به بانک‌ها درخواست می‌دهند و بانک‌ها بنگاه‌هایی که دارای ارزش اعتباری هستند را به وسیله باز کردن یک سپرده، تأمین مالی می‌کنند. به این ترتیب پول به داخل اقتصاد تزریق می‌شود و بنگاه را قادر می‌سازد که مواد اولیه و نیروی کار را خریداری کند. اگر به سادگی فرض کنیم که بانک‌ها تمام درخواست‌های تأمین مالی را بدون رتبه‌بندی قبول می‌کنند، اندازه جریان پولی (به عبارت دیگر مقدار پولی که در هر دوره داده شده به اقتصاد وارد می‌شود) به تقاضای بنگاه‌ها برای تأمین سرمایه بستگی دارد.

تقاضا برای ذخایر نقدی به تشکیل انبار پولی که در انتهای چرخه موجود می‌باشد منجر می‌شود. بگذارید فرض کنیم که عوامل دارای میل به نقدینگی صفر هستند. این یعنی زمانی که بنگاه‌ها دستمزدها را پرداخت کرده‌اند، تولید کامل شده است و دستمزدها برای کالاهای مصرفی و بازارهای مالی هزینه شده است. بنگاه‌ها دوباره به مالکیت کل مقدار تأمین مالی اولیه رسیده‌اند و نتیجتاً می‌توانند به بانک‌ها بازپرداخت نمایند. به این ترتیب پولی که در ابتدا به داخل چرخه تزریق شده بود به بانک‌ها برمی‌گردد؛ اما تخریب یا اتلاف پول، به این معناست که در پایان چرخه هیچ انباشتی از ذخایر پولی وجود نخواهد داشت. در یک اقتصاد ایستا (و بدون در نظر گرفتن پرداخت‌های بهره‌ای) می‌توان متصور بود که در دوره پیش رو، مقدار پول جریان یافته در چرخه (و جریانی که در انتها به بانک‌ها برمی‌گردد) مقدار ثابتی است. اجازه دهید فرض کنیم که میل به نقدینگی مثبت شود: عوامل پول به دست آمده خود را خرج نمی‌کنند و مقداری از آن را به صورت ذخیره نقدی نگاه می‌دارند. در این حالت سرمایه پولی نهایی و به عبارت دیگر درآمد بنگاه به عنوان یک کل و حاصل از فروش کالا و سهام، کمتر از سرمایه پولی اولیه است. به طور ساده این یعنی در پایان چرخه، مقدار مشخصی از پول به صورت بیکار (منفعل) در ذخایر عوامل مانده است. از آنچه که در بالا مشاهده شد می‌توان استنباط کرد که هم جریان پولی و هم تشکیل انباشته‌های پولی ضرورتاً به تقاضا برای پول بستگی دارد.

با این وجود باید اشاره کرد که اتفاقات دیگری نیز وجود دارد که از چشم مفسران اقتصادی دور مانده است: اول اینکه به نظر می‌رسد یک رابطه بین اندازه جریان پولی و تشکیل ذخایر پولی وجود دارد. با ثابت گرفتن سایر شرایط اگر جریان‌های بیشتر پولی در چرخه باشد درآمد پولی بالاتر خواهد بود و ذخایر نقدی بیشتری شکل خواهد گرفت. از سوی دیگر اگر بقیه شرایط هنوز ثابت باشد، افزایش در میل به نقدینگی باعث کاهش در جریان پولی که به بانک برمی‌گردد، می‌شود. واضح است که در موردی که اقتصاد بسته است و هیچ بخش عمومی وجود ندارد تشکیل ذخایر نقدی بنگاه‌ها باید با بدهی به بانک‌ها و یا میزان ورشکستگی بنگاه‌ها برابر باشد.

دوم اینکه باید تأکید کرد که این فرضیه که سیستم بانکی تمام درخواست‌ها برای تأمین مالی را برآورده می‌سازد به سختی معتبر است (دوانزتی، رالفونزو، ۲۰۰۵). فرض واقعی‌تر این است که بانک‌ها ارزش اعتباری بنگاه‌ها را ارزیابی می‌کنند و بنابراین تمام درخواست‌ها برای تأمین مالی را نمی‌پذیرند. این مشاهده ساده، دانشمندان چرخه پولی را به واضح ساختن این قضیه که عرضه پول، تقاضا محور است، رهنمون کرده است. این درست است که اندازه جریان‌های چرخه پولی و اندازه انباشته‌های پول به ترتیب به تقاضا برای اهداف مالی و تقاضا برای پول به عنوان ذخیره ارزش

بستگی دارد. اگرچه زمانی که بانکها رتبه‌بندی اعتباری می‌کنند جریان‌ات پولی و انباشته‌ها تنها بخشی از تقاضای بالقوه برای پول هستند.

۵- طرفداران نظریه خلق پول

به‌غیراز نظریه‌پردازان مکتب چرخه پولی که به‌طوری ویژه به تبیین اهمیت پول در گردش کار کسب‌وکارها پرداخته‌اند، افراد دیگری نیز به این مسئله حیاتی پرداخته‌اند که در ادامه معرفی خواهند شد.

شومپیتر معمولاً به‌عنوان اقتصاددانی شناخته می‌شود که بر نقش کارآفرینی و نوآوری در فرآیند توسعه اقتصادی تأکید کرده است، اما باید گفت او توجهی ویژه به مقوله پول و اعتبار به خرج داده است. دلیل جایگاه بلند اعتبار در تحلیل او آن است که فعل کارآفرین و نوآوری وی را نمی‌توان جدا از دسترسی به اعتبار کرد. کارآفرین شومپیتر ضرورتاً دارای سرمایه موردنیاز برای ایجاد «ترکیب‌های جدید» نیست. او سرمایه موردنیاز خود را از طریق خلق اعتبار جدید به دست می‌آورد. مکانیزم‌های اعتباری زمانی بیشترین اهمیت را می‌یابند که استفاده از اعتبار با ایجاد ترکیبات جدید به سمت تولید «کالاهای جدید» سوق می‌یابد (کرویتورو، ۲۰۱۲). «اگرچه ثروت انباشته یک امتیاز است، اما کسی می‌تواند کارآفرین شود که بدهکار باشد» (اینگهام، ۲۰۰۴).

شومپیتر با علم به لزوم دسترسی به منابع مالی پیش از آغاز تولید، بر اتکای کارآفرینان به اعتبار بانکی به‌جای ثروت شخصی تأکید کرده و عملاً پول (اعتبار) را شرط لازم کارآفرینی معرفی می‌کند. (لو و اسمیتین، ۲۰۰۲) در تحلیل وی جایگاه پول از نقابی خنثی که صرفاً به‌مثابه یک کاتالیزور، کارکرد «تسهیل‌کنندگی مبادله محصولات تولیدشده» را داشته فاصله می‌گیرد و به‌عنوان پیش‌نیاز ضروری شروع فرآیندهای تولیدی معرفی می‌شود. انگیزاننده شومپیتر از این تحلیل این بود که او تأکید اقتصاد متعارف بر خنثایی پول و بی‌اهمیتی آن برای بخش حقیقی را با شواهد تجربی از نقش پول (اعتبار) بانکی در بسط تولید در دنیای جدید متباین می‌دید. لذا با این تحلیل تلاش کرد نشان دهد به‌عکس تلقی رایج از نقش پول در اقتصاد، جریان‌های پولی برای متغیرهای حقیقی اهمیت دارند. این دیدگاه‌ها شومپیتر را واداشت تا در تعاریف خود از سرمایه‌داری، خلق اعتبار از هیچ را فصل ممیز این سیستم بداند. به‌زعم او «سرمایه‌داری شکلی از اقتصاد مبتنی بر مالکیت خصوصی است که در آن نوآوری‌ها به‌وسیله پول قرض گرفته‌شده انجام می‌پذیرد که دلالت بر خلق اعتبار دارد. ما می‌توانیم سرمایه‌داری را به تاریخی ارجاع دهیم که خلق اعتبار پدیدار شد» (کرویتورو، ۲۰۱۲).

به دنبال شومپیتر دیگر متفکران که عمدتاً متأثر از او و کینز بوده‌اند نیز اهمیت اعتبارات بانکی و جایگاه تأمین مالی اولیه بیرونی از ناحیه سیستم بانکی را در رشد و توسعه اقتصادی درک و تبیین کردند. به‌زعم اینگهام کسب‌وکارها و مبادلات بازاری با درجه‌ای پایین‌تر در نظام‌های اقتصادی پیشین هم وجود داشت، اما بسط آن به شکل کنونی، به‌وسیله یک نظام بانکی با کارکرد خلق پول ممکن شد. او این ایده، یعنی درنظرگرفتن ظهور پول اعتباری به‌عنوان نیروی اصلی مؤثر در پیدایش اقتصادهای مدرن را در آثار مکتب تاریخی آلمان و مکتب فرانسوی آنالس دارای سابقه می‌داند (اینگهام، ۲۰۰۴).

به عقیده این جامعه‌شناس اقتصادی کمبریج، تأمین مالی تولید با سرمایه پولی از طریق پول بانکی تازه خلق شده به‌طور منحصربه‌فردی سرمایه‌داری را به‌عنوان یک نظام اقتصادی مجزا می‌کند (وارتر، ۲۰۱۲).

کینز نیز در زمره معتقدان به تلقی وجه پولی به عنوان وجه اصلی سرمایه‌داری [اقتصادهای امروزی] است آنجا که وی در «نظریه عمومی» برای اقتصادهای بازاری کنونی (در مقابل اقتصاد پایاپای)، از عنوان «اقتصاد تولید پولی» استفاده می‌کند.

۶- تجربیات کشورها

در تاریخ اقتصاد و تجربیات کشورهای توسعه‌یافته، شواهد مختلفی وجود دارد که نشان می‌دهد خلق اعتبار و هدایت اعتباری همراه با اقدامات انگیزشی کافی (تشویق و تنبیه) برای نظام بانکی مسیر مناسبی برای رسیدن به رشد اقتصادی بالا و پایدار و بدون درگیر شدن با بحران‌های بانکی را فراهم می‌کند. از سوی دیگر محدودسازی شدید یا کامل اعتبارات برای تراکنش‌هایی که سهمی در تولید ناخالص داخلی ندارند موجب جلوگیری از حباب‌های دارایی و بحران‌های بانکی در آینده می‌شود. اگرچه وضع چنین محدودیت‌هایی سفته‌بازی را متوقف نمی‌کند، اما لاقلاً این اجازه را به سفته‌بازان نخواهد داد که از حق عمومی خلق پول برای معاملات سفته‌بازانه خود استفاده کنند؛ و این امر احتمالاً برای جلوگیری از بحران‌های بانکی کافی خواهد بود.

اقتصادهایی که اقدام به مدیریت خلق اعتبار و متمرکز کردن آن بر فعالیت‌های مولد و پایدار - نه فعالیت‌هایی مانند مصرف و مبادلات دارایی - نموده‌اند، به کارایی اقتصادی بالاتری (رشد اقتصادی بالا و تورم نسبتاً پایین) دست یافته‌اند. در قرن اخیر، تقریباً تمام بانک‌های مرکزی شکل‌های مختلفی از مقررات‌گذاری مستقیم اعتباری را به کار گرفته‌اند. این رویکرد با عناوین مختلفی چون کنترل‌های اعتباری، مسیر اعتبار، هدایت اعتبار، شکل‌دهی به اعتبار یا دریچه هدایت در کشورهای مختلف اجرا شده است (ریان کولینس، ۲۰۱۱). به عنوان مثال در شرق آسیا این امر از طریق سیاست پولی «دریچه هدایت» صورت پذیرفته است. هم‌چنان که بانک جهانی (۱۹۹۳) به این مطلب اشاره کرده و افراد دیگری نیز متوجه آن شده‌اند (پاتریک، ۱۹۶۲، وید، ۱۹۹۰؛ ورنر، ۲۰۰۰) در قلب معجزه اقتصادی شرق آسیا فرآیند هدایت داخلی اعتبار به بخش‌های مولد و سرکوب استفاده از اعتبار در مصارف غیرمولد و ناپایدار قرار داشته است. بانک جهانی (۱۹۹۳) در گزارش خود با عنوان «معجزه شرق آسیا» تصریح می‌کند که کشورهای ژاپن، کره، تایوان و چین، دولت‌ها اقدام به تخصیص اعتبارات به فعالیت‌هایی که بازدهی اجتماعی بالایی دارند - به‌طور خاص به صادرات - نموده‌اند؛ در این مورد سرکوب خفیف مالی و تخصیص دولتی فوایدی داشته است؛ شواهد اقتصادی ژاپن نشان می‌دهند که دسترسی به اعتبار دولتی سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد.

در این کشورها حمایت از صادرات با هدایت نظام بانکی کنترل‌شده توسط دولت صورت می‌گرفت. اهداف اقتصادی به کمک وام‌های بانکی پیاده‌سازی می‌شدند. برای حمایت از فعالیت‌ها و صنایع موردنظر، دولت اقدام به تعیین نرخ‌های ترجیحی برای آن‌ها می‌نمود. ضمناً پیرو رهنمودهای صریح دولت، بانک‌ها به‌طور فزاینده‌ای از عملکرد صادراتی به عنوان معیار اعتبارسنجی استفاده می‌نمودند (بانک جهانی، ۱۹۹۳).

در این کشورها خلق اعتبار غیرمولد سرکوب شد چرا که خلق اعتبار مالی، تورم دارایی و بحران‌های بانکی را موجب می‌شود؛ بنابراین خلق اعتبار بزرگ‌مقیاس برای مقاصد سفته‌بازانه ممکن نبود. بیشتر اعتبارات بانکی به سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد اختصاص داده شد که باعث تولید کالای بیشتر، یا سرمایه‌گذاری برای ارائه خدمات بیشتر، یا صورت‌های دیگری از سرمایه‌گذاری که بهره‌وری را ارتقا می‌دهد (از جمله پیاده‌سازی فناوری‌های جدید، فرآیندها و

دانش) و یا ترکیبی از این موارد می‌شود. چنین خلق اعتبار مولدی کمترین تورم را به همراه داشت چراکه حجم پول بیشتر همراه با حجم کالاها و خدمات بیشتر (ارزش‌افزوده بیشتر) بود.

۱-۶-آلمان

مبدع روش هدایت اعتباری آلمانی‌ها بوده‌اند و ریشه این سیاست به رویکردهای نظری مکتب تاریخی آلمان برمی‌گردد. پیشرو سیاست هدایت اعتبار بانک مرکزی آلمان در سال ۱۹۱۲ بوده است؛ اما اوج اجرای موفق این سیاست در آلمان مربوط به دهه ۱۹۳۰ (قبل از شروع جنگ جهانی دوم) است. در این دوره سیاست‌های هدایت اعتباری به قدری شدت داشت که عده‌ای سیاست بانک مرکزی را دیکتاتوری اعتباری نامیدند. رشد بالای اقتصادی و کاهش سریع و شدید بیکاری (پس از بیکاری‌های شدید ناشی از مشکلات آلمان پس از جنگ جهانی اول) از مشخصه‌های بارز اقتصاد آلمان در این دوره بود. در دوره بعد از جنگ جهانی دوم نیز مجدداً این سیاست‌ها در آلمان اجرا شد و به‌رغم رشد بالای نقدینگی در این دوره، تورم آلمان پایین بوده و در دوره‌هایی منفی شده است (حسین‌زاده، ۱۳۹۲).

در آلمان ساختار بانکداری به نحوی بوده است که همان نتایج سیاست هدایت اعتباری را به دنبال داشته است؛ به‌گونه‌ای که اقتصاد این کشور از چرخه‌های رونق و رکود و حباب‌های دارایی دوری کرده و موفق به رشد نسبتاً بالای غیرتورمی شده است. ساختار بانکی این کشور متشکل از حدود ۱۷۰۰ بانک محلی کوچک بوده که تمرکزشان بر وام‌دهی به خانوارها و بنگاه‌های کوچک و متوسط است و اعتبارات اعطایی‌شان صرف سفته‌بازی مالی نمی‌شود. حدود ۷۰ درصد سپرده‌های بانکی آلمان در همین بانک‌های کوچک تعاونی و پس‌انداز قرار دارد (ورنر، ۲۰۱۲).

۲-۶-ژاپن

در کشورهای شرق آسیا در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم سیاست هدایت اعتباری با نام «پنجره هدایت» اجرا می‌شد. بانک مرکزی رشد اقتصادی اسمی مطلوب را تعیین می‌کرد، سپس مقدار لازم خلق اعتبار برای دستیابی به رشد مطلوب را محاسبه کرده و اعتبارات را از طریق بانک‌های و صنایع مختلف اختصاص می‌دادند.

سیاست‌گذاران دولتی ژاپن نیز که در دوران پس از جنگ جهانی دوم اقدام به هدایت بزرگ‌مقیاس اعتبارات نموده‌اند، در اتخاذ این سیاست‌ها متأثر از مکتب تاریخی آلمان بوده‌اند؛ به‌طوری‌که اقتصاددانان و بوروکرات‌های ژاپنی با دقت مباحث نظری و وقایع آلمان را دنبال می‌کرده‌اند (پاپل، ۱۹۷۴) و ایچیمادا (رئیس بانک مرکزی ژاپن در دوره پس از جنگ جهانی دوم) نیز به گفته خودش به‌شدت تحت تأثیر ساختار رئیس بانک مرکزی آلمان در دوران قبل از جنگ جهانی دوم) بوده است.

تحقیقاتی در مورد اثر دریچه هدایت بر بانک مرکزی ژاپن نشان داده‌اند که این ابزار سیاست پولی همواره به‌شدت کارآمد بوده است؛ حتی زمانی که مجموعه اهداف بانک مرکزی موارد اشتباهی بوده‌اند؛ از جمله گسترش اعتبارات مالی و سفته‌بازانه در دهه ۱۹۸۰ میلادی. به‌بیان دیگر، هدایت اعتباری ابزاری قدرتمند است؛ اگرچه این مسئله به معنای آن نیست که اهداف سیاستی اتخاذشده اهداف صحیحی هستند و هوشمندی حاکمیت در انتخاب مقصد سیاست هدایت اعتباری نقش مهمی دارد (ریان کولینس، ۲۰۱۱).

1 Ichimada

2 Shacht

۳-۶-کره جنوبی

کره جنوبی از دهه ۶۰ میلادی با الگوگیری از ژاپن حرکت اقتصادی خود را کلید زد. ژنرال پارک چونگ هی اکه در سال ۱۹۶۱ به قدرت رسیده بود با اتخاذ تصمیماتی قاطع مسیر توسعه اقتصادی کره را آغاز کرد. محوریت برنامه توسعه وی با دولت بود و در نهادسازی و ایجاد ساختارها از ژاپن تقلید نمود (برون ۲۰۱۳، در درودیان، ۱۳۹۵). اولین گام اقتصادی کره در این مسیر ملی کردن بانک‌های تجاری خود بود تا با کنترل اعتبارات، امکان اعطای آن به بخش‌ها و اهدافی که دولت مدنظر دارد و بازار به‌طور خودکار به آن‌ها علاقه‌ای نداشته و به آن اعتبار نمی‌دهد را فراهم سازد. در این دوره بانک مرکزی به کنترل دولت درآمد و سیاست‌های موردنظر وزارت اقتصاد را اجرا نمود. هم‌چنین دولت برای پیشبرد اهداف خود در حوزه‌های مختلف اقدام به تأسیس بانک‌های جدیدی مانند بانک ملی تعاونی کشاورزی، بانک صادرات و واردات و بانک صنعتی کره نمود. نظام انگیزشی نیز به‌گونه‌ای طراحی شده بود که بازار به‌طور خودکار رغبت به همراهی با سیاست‌های دولت می‌نمود. در این دوره بانک‌ها بیش از آن که در قالب اقتصاد بازار آزاد عمل کنند، به‌عنوان ابزار دولت برای تخصیص اعتبارات عمل می‌نمودند (درودیان، ۱۳۹۵).

۴-۶-چین

شیائوپینگ، مهم‌ترین مقام سیاسی چین در دهه ۸۰ میلادی متوجه اهمیت موضوع شده و دریچه هدایت به سبک ژاپن را در مرکز اصلاحات اقتصادی چین قرار داد که در نهایت منجر به رشد اقتصادی بسیار بالا و مستمر این کشور در چندین دهه اخیر شده است. با این حال بانک‌های مرکزی غربی اهمیت و کارآمدی چنین مداخله‌ای در بازار اعتبار توسط بانک مرکزی را قبول ندارند؛ که احتمالاً به خاطر تضاد آن با «فرضیه بازارهای کارآمد» است. بانک مرکزی چین رسماً دریچه هدایت را به‌عنوان یکی از ابزارهای سیاستی کلیدی خود اعلام کرده و بررسی‌های عینی نیز همین رویکرد را نشان می‌دهند. ضمناً این سیاست می‌تواند توضیح دهد که چرا اقتصاد چین موفق شد دوره بحران‌های شرق آسیا یا بحران بانکی بین‌المللی ۲۰۰۸ را به‌خوبی پشت سر بگذارد (قدسی، ۱۳۹۷).

۵-۶-سایر کشورها

باسو (۲۰۰۶) در پژوهشی پیرامون نقش بانک در توسعه اقتصادی کره جنوبی و هند می‌گوید به نظر می‌رسد هر دو دولت فرض کرده‌اند که بی‌میلی بانک‌ها به مشارکت در فرآیند توسعه اقتصادی عمدتاً از سودآوری پایین نشأت می‌گیرد. در نتیجه مداخله دولت عمدتاً تمرکز بر نحوه تخصیص اعتبار بوده است. کلیدی‌ترین رکن مداخله اقتصادی دولت هند نیز معطوف به بازار اعتبار بوده است (ورنر، ۲۰۰۰).

تجرباتی از هدایت مستقیم خلق پول توسط بانک‌های مرکزی دنیا نیز وجود دارد که مستقیماً دولت وقت آن را در اقتصاد هزینه می‌کرده است. استرالیا در دوره ۱۹۱۴-۱۹۲۴ و نیوزلند در دهه ۱۹۳۰ از خلق پول بانک مرکزی برای تأمین مالی ساخت مسکن و حفظ قیمت مواد غذایی و هزینه‌های جنگ استفاده کرده‌اند (گرسلی و اکسلی، ۲۰۰۲؛ هوک، ۱۹۷۳). در کانادا، بانک مرکزی نقشی کلیدی در سرمایه‌گذاری برای ساخت زیرساخت‌ها به‌خصوص از طریق بانک توسعه صنعتی کانادا در دهه‌های ۴۰ تا ۷۰ میلادی ایفا کرد (کلارک، ۱۹۸۵).

1 Park Chung-hee

2 Xiaoping

۷- دلالت‌های سیاستی

مدل‌های رایج اقتصاد کلان بر مبنای مدل رایج واسطه و جوه قابل وام‌دهی بودن بانک بنا شده‌اند و در آن‌ها بانک‌ها واسطه‌ای بین سپرده‌گذار و قرض‌گیرنده هستند و اقدام به وام‌دهی و جوه از پیش موجود می‌کنند. مشکل این نگاه آن است که در دنیای واقعی جوه از پیش موجودی وجود ندارند و بانک‌ها مؤسسات واسطه‌گر نیستند؛ بلکه بانک‌ها جوه جدید را از طریق وام‌دهی و ایجاد سپرده جدید به صورت فرآیندی در دو طرف ترازنامه خود خلق می‌کنند؛ بنابراین با در نظر داشتن نظریه تأمین مالی از طریق خلق پول^۱، بانک‌ها به کل مؤسساتی پولی هستند. این نظریه هم‌چنین نشان می‌دهد که در دنیای واقعی سازوکار افزایش سپرده وجود ندارد که محدودیت‌های کمی را برای قدرت خلق پول بانک‌ها به جود آورد؛ بلکه محدودیت‌های اصلی بانک‌ها بابت نگرانی‌شان از سودآوری و بازپرداخت وام‌هاست. دیدگاه خلق پول در مقایسه با رویکرد واسطه‌گری، تغییرات در وام‌دهی بانک‌ها را بسیار بزرگ‌تر، سریع‌تر و دارای تأثیرات گسترده‌تر بر بخش واقعی اقتصاد پیش‌بینی می‌کند. مدل‌های مبتنی بر خلق پول با داده‌های واقعی نیز سازگارتر هستند؛ از جمله پرش‌های بزرگ در وام‌دهی، رفتار موافق چرخه‌ای و جیره‌بندی اعتبارات در دوره رکود. طبیعتاً پذیرش نظریه تأمین مالی از طریق خلق پول موجب می‌شود که سیاست‌های اقتصاد کلانی که به کلی متفاوت با ادبیات موجود هستند در پیش گرفته شود.

به صورت خلاصه باید گفت که نظام بانکداری مدرن تفاوت‌های عمده‌ای را با سیستم بانکداری سنتی دارد و مهم‌ترین وجه تمایز آن در قدرت خلق پول و قدرت وام‌دهی بانک‌ها است. لذا با توجه به همین مسئله، نظریه پولی تولید می‌تواند دلالت‌های زیر را به همراه داشته باشد:

۱- یکی از مهم‌ترین رنج‌هایی که اقتصاد ایران در آن به سر می‌برد، کمبود نقدینگی است. بسیاری از بخش‌های تولیدی هستند که صرفاً به دلیل نداشتن سرمایه لازم، نمی‌توانند کار تولیدی خود را راه بیندازند. نظریه پولی تولید می‌گوید که از لحاظ منابع مالی و پولی، هیچ‌گونه محدودیتی وجود ندارد. در واقع در این نگاه، جریان تولید، یک جریان پولی است و از خلق پول آغاز می‌شود و با امحا پول پایان می‌یابد. آنچه در انتهای دوره اتفاق می‌افتد این است که مقدار کل تولید رشد پیدا می‌کند. لذا یکی از مهم‌ترین مسائلی که برای رشد اقتصادی و تولید لازم و ضروری است خلق پول و تسهیلات است. تسهیلات‌دهی و خلق پول الزاماً چیز بدی نیست، زمانی خلق پول باید مذمت شود که درست هدایت نشود. اگر خلق پول و هدایت اعتبار در کنار هم به درستی شکل بگیرد، می‌تواند موتور محرکی برای بخش‌های تولیدی باشد.

۲- از مهم‌ترین دلالت‌های نظریه پولی تولید این است که سیاست‌مداران نباید به دنبال هدایت اعتبار و نقدینگی موجود باشند؛ زیرا پول موجود در یک دوره قبل برای مسئله‌ای خرج شده است؛ یعنی در نظریه مدرن پولی، عرضه پول به صورت برون‌زا نبوده و بانک مرکزی همین‌طور حجم پول را افزایش نداده است، بلکه درون‌زا است و یک تقاضایی وجود داشته است که خلق پول صورت گرفته است. لذا این پول برای تقاضایی که داشته است خرج و صرف شده است و برای کار تولیدی جدید نیاز به پول جدید است. لذا حتماً باید خلق پول نشاءت گرفته از تقاضای پول، صورت بگیرد تا نیازهای اساسی جدید از جمله تولید برطرف شود.

1 Financing Through Money Creation(FMC)

۳- دیگر دلالت نظریه پولی تولید این است که تا زمانی که ظرفیت‌های اقتصادی خالی و بلااستفاده در کشور وجود دارد و بیکاری در کشور هست، این معنا را می‌توان فهمید که متناسب با این ظرفیت خالی، می‌توان به خلق پول متوسل شد و در کنار هدایت اعتبار، آن را به جاهای مولد انتقال داد.

۴- از مهم‌ترین دلالت‌های نظریه پولی تولید این است که در بسیاری از پروژه‌های تولیدی کشور، نیازی به سرمایه خارجی نیست. سرمایه خارجی صرفاً زمانی لازم و ضروری است که یک شرکت خارجی خودش بخواهد تکنولوژی‌ای را وارد کشور کند. اگر نه بسیاری از مسائل تولیدی کشور از جمله جاده‌سازی و پالایشگاه و ... نیازی به سرمایه خارجی ندارد و صرفاً با خلق پول بانکی، به هراندازه که لازم باشد می‌توان به اقتصاد تزریق کرد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نظریه پولی تولید رویکردی نوین در تبیین جایگاه و اهمیت نظام پولی در ارتباط با بخش واقعی اقتصاد است. این نظریه مبتنی بر این ایده است که «چرخه تولید دارای ماهیتی پولی است»؛ با پول به‌مثابه سرمایه نقدی اولیه برای اکتساب نهاده‌ها شروع شده و با پول به‌عنوان عایدی‌های حاصل از فروش پایان می‌یابد. اعتبار بانکی برای بنگاه‌ها حکم ظرف و زمینه‌ای دارد که آن‌ها را قادر به اکتساب و کنترل عوامل تولید می‌کند.

دلالت بسیار مهم نظریه پولی تولید این است: اگر پول جدید (خلق پول) به‌سوی بخش‌های دارای نیاز اجابت نشده و نهاده‌های بلااستفاده و عاملیت‌های توانمند و برخوردار از دانش فنی سوق داده شود، قادر به کاراندازی عوامل تولید و خلق ثروت و در نتیجه به‌جاگذاری تأثیرات ماندگار بر بخش حقیقی است.

نظریه پولی تولید در کشورهای که ظرفیت‌های خالی برای اشتغال و توسعه دارند، بسیار کاربرد داشته همچنان که کشورهای شرق آسیا از جمله چین، ژپن و ... از این نظریه برای رشد کشورشان استفاده کردند.

این نظریه و ادبیات هرچند هنوز در کشورمان جا نیفتاده است لذا لازم است بر گفتمان‌سازی این نظریه کوشید و با توجه به وضعیت کنونی کشور که از آسیب کمبود سرمایه رنج می‌برد، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و با هدایت اعتبار و پیدا کردن کارآفرینان واقعی، چرخه تولید تحول پیدا کند.

منابع:

- بیابانی، جهانگیر (۱۳۸۹) اقتصاد پولی، انتشارات پیام نور، تهران.
- بیابانی، جهانگیر، هستیانی، اصغر، مهرگان، نادر و حسنونند، داریوش (۱۳۹۳) بررسی درون‌زایی عرضه‌ی پول ایران (رویکرد آزمون مستقیم)، فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، سال سوم، شماره ۱۲.
- پیغامی، عادل (۱۳۹۴)، درآمدی بر مبادی نظری درون‌زایی پول و دلالت‌های سیاستی آن برای اقتصاد ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس.
- جبل عاملی، فرخنده و گودرزی، یزدان (۱۳۹۲) تاییدی دیگر بر خنثایی پول، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال ۲۱، شماره ۶۸.
- حسین‌زاده، اسماعیل (۱۳۹۲)، «رشد قارچ‌گونه بانک‌ها متوقف شود/ مهار سفته‌بازی به‌جای تمرکز بر نقدینگی و یارانه خانوار»، خبرگزاری فارس.

حسین زاده، توفیق (۱۳۹۵) نرخ طبیعی ویکسل، گروه اقتصادسرا.

درودیان، حسین (۱۳۹۵)، «هدایت خلق پول»؛ آنچه درباره معجزه شرق آسیا نمی‌دانیم، نوشتار ۱: پول (اعتبار) و توسعه، جستارهای مبین (نشریه الکترونیکی موسسه مطالعات و تحقیقات مبین)، سال چهارم، جستار شماره ۴۵، پایگاه موسسه مطالعات و تحقیقات مبین.

درودیان، حسین (۱۳۹۵)، «هدایت خلق پول»؛ آنچه درباره معجزه شرق آسیا نمی‌دانیم، نوشتار ۲: ژاپن بنیان‌گذار؛ کره خلف صالح، جستارهای مبین (نشریه الکترونیکی موسسه مطالعات و تحقیقات مبین)، سال چهارم، جستار شماره ۴۶، پایگاه موسسه مطالعات و تحقیقات مبین.

درودیان، حسین (۱۳۹۶)، تبیین راهبرد «هدایت خلق پول» به مثابه مهم‌ترین گام عملی در تحقق اقتصاد مقاومتی - چهارمین همایش سالانه اقتصاد مقاومتی.

سبحانی، حسن و درودیان، حسین (۱۳۹۵) ارزیابی توجیه‌پذیری خلق پول به وسیله سیستم بانکی در نظام بانکداری اسلامی، فصلنامه علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال شانزدهم، شماره ۶۴

شاکری، عباس (۱۳۹۱) سیاست‌ها و تئوری اقتصاد کلان، انتشارات رافع، تهران.

عرب یار محمدی، جواد و عرفانی، علیرضا (۱۳۹۵) آزمون درون زایی پول در اقتصاد ایران، دو فصلنامه اقتصاد پولی - مالی، سال ۲۳، شماره ۱۱.

فلاحتی، علی، سهیلی، کیومرث و صادقی نسب، شبنم (۱۳۹۶) درون زایی پول در ایران و پیامدهای آن، دو فصلنامه اقتصاد پولی - مالی، سال ۲۴، شماره ۱۳.

قدسی دهقی، احمد (۱۳۹۷)، ارائه الگوی پیشنهادی خلق پول اسلامی با هدف هدایت آن در جهت تحقق اهداف عدالت و پیشرفت اقتصادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده اقتصاد.

Anwar, S. & Islam, I. (2011). Should developing countries target low, single digit inflation to promote growth and employment. *Beyond Macroeconomic Stability*, 98.

Arestis, Philip, and Malcolm Sawyer (2006), "Interest Rates and the Real Economy." In *Post-Keynesian Principles of Economic Policy*, ed. Claude Gnos and Louis-Philippe Rochon, 3-20. Cheltenham: Edward Elgar Publishing.

Bellofiore, R. and Realfonzo, R. (2003), 'Money as finance and money as universal equivalent: re-reading Marxian monetary theory', in L.P. Rochon and S. Rossi (eds), *Modern Theories of Money: The Nature and Role of Money in Capitalist Economies*, Cheltenham, UK and Northampton, MA, USA: Edward Elgar, 198-218.

Bertocco, G. (2006). "The characteristics of a monetary economy: a Keynes-Schumpeter approach." *Cambridge journal of economics* 31(1): 101-122.

Brown, E. H. (2013). The public bank solution: From austerity to prosperity, *Third Millennium Press. bureaucrats, 1890-1925.* *Journal of Japanese Studies* 1(1): 127-164.

Clark, E. R. (1985). The IDB: A History of Canada's Industrial Development Bank, University conclusive evidence." *International Review of Financial Analysis* 46: 361-379.

Croitoru, Alin (2012), "Schumpeter, J.A., 1934 (2008), *The Theory of Economic Development: An Inquiry into Profits, Capital, Credit, Interest and the Business Cycle: A review to a book that is 100 years old*", *Journal of Comparative Research in Anthropology and Sociology*, Volume 3, Number 2, Winter.

Croitoru, Alin; "Schumpeter, J.A., 1934 (2008), *The Theory of Economic Development: An Inquiry into Profits, Capital, Credit, Interest and the Business Cycle: A review to a book that is 100 years old*"; *Journal of Comparative Research in Anthropology and Sociology*, 3 (No 2), 2012.

Fisher, Irving; *100% Money and the Public Debt*; CreateSpace, 1936.

Forges Davanzati, G. and Realfonzo, R. (2005a), 'Bank mergers, monopoly power and unemployment. A Post Keynesian-Circuitiste approach', in G. Fontana and R. Realfonzo (eds), *The Monetary Theory of Production. Tradition and Perspectives*, Basingstoke: Palgrave Macmillan, 155–71. *Government and Markets*".

Georg, P. and Markus, P. (2010); "Endogenous Money-On Banking Behaviour in New and Post Keynesian Models", *Jena Economic Research Papers*, March 26.

Graziani, A. (1982) 'L'analisi marxista e la struttura del capitalismo moderno', in *Storia del marxismo*, Vol. 4, Turin: Einaudi.

Graziani, A. (1984), 'Moneta senza crisi', *Studi economici*, 39(24), 3–37.

Graziani, A. (1987), 'Keynes's finance motive', *Économies et Sociétés (Série Monnaie et Production*, 4), 21(9), 23–42.

Graziani, A. (1994), *La teoria monetaria della produzione*, Arezzo: Banca Popolare dell'Etruria e del Lazio/Studi e ricerche.

Graziani, A. (2003a), *The Monetary Theory of Production*, Cambridge: Cambridge University Press.

Greasley, D. and L. Oxley (2002). "Regime shift and fast recovery on the periphery: New.

Greenham, Tony; Ryan-Collins, Josh; Werner, Richard; Jackson, Andrew,(2012) *Where does money come from?*; London: New Economics Foundation.

Hülsmann, Jörg Guido;(2008) *The Ethics of Money Production*; Ludwig von Mises Institute.

Ingham, Geoffrey;(2004) *The Nature of Money*; Cambridge: Polity Press.

Jakab, Z. and M. Kumhof (2015). "Banks are not intermediaries of loanable funds—and why

Lau, J.Y.F., and Smithin J. (2002), "The role of money in capitalism", *International Journal of Political Economy*, 32, 3, Fall, 5-22.

Lau, J.Y.F., and Smithin J.; “The role of money in capitalism”(2002); *International Journal of Political Economy*, 32, 3.

Neumann, M. J., & Von Hagen, J. (2002). Does inflation targeting matter? (No. B 01-2002). ZEI working paper. of Toronto Press.

Palley T, I., (1993); “Competing Views of the Money Supply Process :Theory and Evidence”, Dept. of Economics New School for Social Research New York, NY 10003 Revised July.

Palley T, I.,(2008); "Endogenous Money: Implications for the Money Supply Process, Interest Rates, and Macroeconomics", PERI Working Paper Series, No. 178, August.

Patrick, H. T. (1962). *Monetary policy and central banking in contemporary Japan*, Bombay University Press.

Philip Arestis, Malcolm Sawyer, (2006) *A handbook of alternative monetary economics*, William Pratt House.

Pyle, K. B. (1974). "Advantages of followership: German economics and Japanese

Realfonzo, R. (2003) , ‘Circuit theory’, in J. King (ed.) , *Elgar Companion to Post-Keynesian Economics*, Cheltenham, UK and Northampton, MA, USA: Edward Elgar, 60–64.

Rothbard N. Murray; (2008) *The Mystery of Banking*; Ludwig von Mises Institute, Auburn, Alabama,.

Ryan-Collins, J., et al. (2011). *Where does money come from? A guide to the UK monetary and banking system*, New Economics Foundation.

Seccareccia, M. and A. Parguez (2002). *The credit theory of money: the monetary circuit approach. What is money?*, Routledge: 111-133.

Wade, R. (1990). "Governing the market: economic theory and the role of government in east Asian industrialization".

Werner, R. A. (2000). "Indian Macroeconomic Management At the Crossroads Between Government and Markets".

Werner, R. A. (2000). "Indian Macroeconomic Management At the Crossroads Between .

Werner, R. A. (2012). "Towards a new research programme on ‘banking and the economy’—Implications of the quantity theory of credit for the prevention and resolution of banking and debt crises." *International Review of Financial Analysis* 25: 1-17.

Werner, R. A. (2016). "A lost century in economics: Three theories of banking and the Zealand in the 1930s." *The Economic History Review* 55(4): 697-720.

Werner, Richard; Dyson, Ben; Greenham, Tony; Ryan-collins, Josh; “Towards a Twenty-first Century Banking and Monetary System”; NEF & Possitive Money, 2011.